

اشعار نویافته از انوری

رحمان ذبیحی (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام)

۱- مقدمه

با اینکه دیوان انوری پس از چاپ‌های سنگی یک بار به همت سعید نفیسی و یک بار دیگر به کوشش محمدتقی مدرس رضوی تصحیح شده، هنوز اشعاری از او در مطاوی نسخه‌ها مغفول مانده و منتشر نشده‌است. این امر ناشی از دسترسی نداشتن مصححان به برخی نسخه‌های کهن و غفلت از تصحیح و انتشار تمام اشعار موجود در دست‌نویس‌های مورد استفاده‌است. موضوع این پژوهش معرفی و انتشار ۴۳ بیت نویافته از انوری، شامل ۴ غزل، ۴ قطعه و ۲ رباعی، بر مبنای پنج نسخه کهن دیوان او از سده هفتم تا نهم هجری است. از میان نسخه‌های مورد استفاده در این پژوهش چهار نسخه از دسترس مصححان دور مانده و یک دست‌نویس نسخه اساس تصحیح مدرس رضوی بوده‌است. در اثبات تعلق اشعار نویافته به انوری گذشته از پشتوانه نسخه‌ها که همه از نسخه‌های کهن و معتبر دیوان انوری محسوب می‌شوند، از قراین سبک‌شناختی نیز استفاده شده‌است. همچنین برخی ابهامات اشعار، نظیر هویت دو تن از ممدوحان، روشن شده‌است.

اشعار انوری در چهار قالب قصیده، قطعه، غزل و رباعی^۱ است. او در این قالب‌ها، به‌ویژه در سه قالب اول، شاعری صاحب سبک محسوب می‌شود؛ هم در قصیده‌سرایی، که میدان عرضه هنر رسمی اوست، استادی کم‌نظیر با نوآوری‌های بسیار است (شفیعی کدکنی ۱۳۷۴: ۸۲ و ۴۴) و هم در سرایش قطعات که تصویری واقعی از روحیات و حالات او را از

۱. جز چهار قالب یادشده، یک مثنوی ۱۵۸ بیتی در هجو قاضی بلخ از انوری باقی مانده‌است که در بیشتر نسخه‌های کهن دیوان شاعر وجود دارد و در چاپ نفیسی هم آمده‌است (انوری ۱۳۳۷: ۴۷۷).

خلال آنها می‌توان ترسیم کرد. در حوزه غزل عاشقانه، باید او را بزرگ‌ترین شاعر تاریخ ادبیات فارسی پیش از سعدی به‌شمار آورد. غزل او نقطه عطفی در تاریخ غزل فارسی است (همان: ۵۷). رباعیات او نیز از دیرباز مورد توجه اهل ادب بوده، چنان‌که راوندی پنج رباعی وی را در *راحة الصدور* نقل کرده‌است (میرافضلی: ۱۷۱). گذشته از فواید تاریخی، اجتماعی و ارزش سخن شاعر در حوزه تخیل، موسیقی شعر، مضامین و موضوعات شعری، برجسته‌ترین حوزه هنر او را باید در زبان شعر وی جست‌وجو کرد. زبان شعر انوری تلفیقی است از سنت شعر فارسی و زبان زنده عصر. توفیق شاعر در استفاده از زبان محاوره طبقات مختلف اجتماع، در حوزه مفردات، امثال، کنایات و ساختارهای نحوی، کم‌نظیر است (شفیعی کدکنی ۱۳۷۴: ۶۴ و ۶۵). نشر اشعار نویافته از وی علاوه بر ارزش مستقل و گذشته از اینکه در مواردی نکاتی از زندگی او را روشن می‌کند، فراهم آوردن زمینه‌ای است برای محققان شعر او و پژوهشگران تاریخ ادب فارسی و به‌ویژه علاقه‌مندان به تاریخ تطور انواع و قالب‌های شعری دیوان او.

۲- چاپ‌های دیوان انوری

دیوان انوری تاکنون چند بار تصحیح و منتشر شده‌است؛ از نخستین کوشش‌ها در انتشار این متن باید به طبع سنگی آن در سال ۱۲۶۶ هجری در تبریز اشاره کرد (انوری ۱۲۶۶: ۳۸۱). همچنین یک بار در ۱۸۸۹ م / ۱۳۰۶ هجری و بار دیگر در تاریخ ۱۸۹۷ م / ۱۳۱۴ هجری در لکهنو به چاپ سنگی رسیده‌است (انوری ۱۸۸۹: ۷۶۹ و ۷۷۰؛ انوری ۱۳۳۷، مقدمه مصحح: پنجاه‌وسه). منتخباتی نیز از دیوان او در هندوستان و سن‌پترزبورگ چاپ شده‌است (همانجا). کاستی‌های این چاپ‌ها به اقتضای سنت نشر آثار کهن در آن روزگار، که هنوز تصحیح انتقادی متون رایج نشده بود، بسیار است. در سال ۱۳۳۷ سعید نفیسی با استفاده از هشت نسخه خطی، چاپ‌های سنگی هندوستان و تبریز، منتخبات دیوان و شرح فراهانی و شادی‌آبادی دیوان انوری را تصحیح کرد (انوری ۱۳۳۷، مقدمه مصحح: پنجاه تا پنجاه‌وچهار). تصحیح نفیسی هرچند از جهت ضبط انتقادی متن اشعار و خودداری مصحح از ذکر نسخه‌بدل (رک. همان: پنجاه‌وچهار) دچار کاستی است، اما با ۱۴۷۲۲ بیت جامع‌ترین چاپ دیوان انوری است: «در تهیه متن این کتاب یک کلمه و یک بیت را از آنچه در نسخه‌های مختلف دیدم فروگذار نکردم» (همانجا). پس از نفیسی، محمدتقی مدرس رضوی با استفاده از پنجاه نسخه خطی، مجموعه‌ها، منتخبات و چاپ‌های سنگی، دیوان انوری را تصحیح و منتشر کرد (انوری ۱۳۷۶، مقدمه مصحح: ۱۵۰). نسخه اساس او دست‌نویس کتابخانه فاتح

استانبول مورخ ۷۰۸ بوده است (انوری ۱۳۷۶: ۱۴۹-۱۵۰). چاپ مدرس رضوی از جهت استفاده از برخی نسخه‌های کهن و عرضه نسبی نسخه بدل، بر روی هم منقح‌تر و میزان سهو و خطا در آن کمتر است. یکی از کاستی‌های اساسی این چاپ دربر نداشتن بخش عظیمی از اشعار شاعر است؛ امری که مصحح خود به آن واقف بوده است: «سعی شده که اشعار انوری همه در این دیوان جمع گردد. با این حال، ادعا ندارد که کلیه اشعار وی همه در این دفتر آمده باشد» (همان، مقدمه مصحح: ۱۵۰). یکی از دلایل او در درج نکردن همه اشعار خودداری از انتشار هجویات و هزلیات انوری است (همان: ۱۱۴، ۵۶۱، ۶۲۶). اما از سوی دیگر، بسیاری از اشعار غیر هزل‌آمیز را از قلم انداخته، در حالی که این اشعار در بسیاری از نسخه‌های کهن و از جمله برخی دست‌نویس‌های مورد استفاده وی وجود داشته است؛ از این قبیل است قطعه‌ای به مطلع

آی خداوند روزگار آن نیست که بدیهاش در شمار آید

از این قطعه ۲۴ بیتی تنها بیت یازدهم هزل‌آمیز است و با اینکه در بسیاری از نسخه‌های مورد استفاده مصحح بوده، از ذکر آن خودداری کرده است (رک. انوری، نسخه فاتح، برگ ۱۱۷؛ انوری، نسخه ۲/۲۳۴، برگ ۹۰؛ انوری، نسخه ملک، برگ ۱۳۲؛ انوری، نسخه آستان قدس، برگ ۱۷۰). یا نمونه دیگر قطعه‌ای در ۲۲ بیت با مطلع

ای پای از آن خطه برتر کشیده که باشد زبردست ایشان زمانه

در این قطعه تنها بیت آخر آن هزلی است و باز در بسیاری از نسخه‌های در دسترس مصحح بوده، اما در چاپ او نیامده (انوری، نسخه مینوی ۳/۲۳۴، برگ ۹۱؛ انوری، نسخه فاتح، برگ ۱۴۵؛ انوری، نسخه ملک برگ ۱۶۰؛ انوری، نسخه دانشگاه تهران ۲/۲۴۰، برگ ۱۰۰). به همین سبب تصحیح او با حدود ۱۳۳۰۰ بیت حدود ۱۴۰۰ بیت کمتر از چاپ نفیسی دارد. حتی اگر در انتساب برخی اشعار به انوری در چاپ نفیسی تردید باشد^۲، باز شامل بسیاری از اشعار مسلم شاعر است که از چاپ مدرس رضوی فوت شده‌اند.

۲. برخی اشعار در تصحیح نفیسی مسلماً از انوری نیست. مثلاً در این چاپ غزلی از عمادالدین غزنوی به نام انوری آمده است (انوری ۱۳۳۷: ۵۳۷) و یا غزلی سست با التزام سنگ و سیم در هر مصراع در این تصحیح هست (همان: ۵۳۶) که هیچ تناسبی با سبک غزل و زبان شعر انوری ندارد و در نسخه‌های کهن بررسی شده و حتی در چاپ‌های سنگی هم نیست. همچنین قصیده‌ای با مطلع زیر (همان: ۱۹۳) که هیچ شباهتی با سبک انوری ندارد: افزوده باز رونق هر مرغزار گل چون زیر یافت ناله هر مرغ زار گل

۳- اشعار منتشرشده دیگر از انوری

پس از آخرین چاپ دیوان انوری، برخی اشعار نویافته از او به تفاریق منتشر شده است؛ از جمله، در گزیده اشعار وی با عنوان مفلس کیمیا فروش (شفیعی کدکنی ۱۳۷۴: ۵۴ و رک. همان: ۲۵). محسن شریفی صبحی و مهدخت پورخالقی چترودی، طی مقاله‌ای با عنوان «اشعار نویافته از انوری در نسخه‌ای کهن»، دو غزل، پنج قطعه و ۸۴ رباعی را از نسخه شماره ۱۳۵۰۳ مجلس، مورخ ۶۸۰ منتشر کرده‌اند (شریفی صبحی و پورخالقی چترودی ۱۳۹۱: ۲۵-۳۸). نیز محسن شریفی صبحی و حامد خاتمی پور در مقاله‌ای با عنوان «اشعار نویافته در جنگ خطی ۹۰۰ مجلس» در کنار معرفی و انتشار اشعاری از معزی، مجیرالدین بیلقانی و سعدی، دو غزل، یک قطعه و یک رباعی از انوری منتشر کرده‌اند (شریفی صبحی و خاتمی پور ۱۳۹۲: ۴۹-۵۲). البته در انتساب غزل‌ها به انوری تردید است، زیرا در دیوان جمال‌الدین اصفهانی نیز آمده‌اند (همان: ۵۰ و ۵۱).^۳ همچنین قطعه‌ای از شاعر در موضوع فصد در سفینه شمس حاجی منتشر شده است (شمس حاجی ۱۳۹۰: ۴۰۷ و مقدمه مصحح: ۶۳). در نهایت باید به تحقیق ارزنده علی میرافضلی اشاره کرد که مؤلف با جست‌وجوی دقیق در چهار نسخه کهن دیوان و سفینه‌ها، جنگ‌ها و منابع دیگر، ۱۵۹ رباعی از انوری را بازیابی و تصحیح کرده است (میرافضلی: ۱۷۱).

۴- منابع اشعار نویافته

نگارنده در جست‌وجوی اشعار نویافته، دوازده نسخه کهن دیوان انوری را به‌طور کامل استقصا کرده است. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، اشعار نویافته در پنج نسخه کهن شناسایی شده است؛ دو نسخه از سده هفتم، یک نسخه از اوایل سده هشتم و دو نسخه متعلق به حدود سده هشتم یا نهم. نسخه دوم (نسخه کتابخانه فاح استانبول مورخ ۷۰۸)، دست‌نویس اساس مدرس رضوی در تصحیح دیوان بوده است. نسخه‌های اول، سوم و چهارم از دسترس مصححان دور مانده، اما در مواردی محل رجوع دیگر محققان در شرح

۳. برخی اشعار هم در دیوان انوری و هم دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی آمده است که احتمال تعلق این اشعار به جمال‌الدین بیشتر است. برای نمونه، قطعه‌ای با مطلع زیر که با اندکی اختلاف در برخی کلمات در دیوان دو شاعر ذکر شده (رک. انوری ۱۳۷۶: ۶۸۳ و جمال‌الدین اصفهانی: ۴۴۵) و در نسخه‌های کهنسال دیوان انوری نیامده است:

مشکلات شعر انوری و یا معرفی برخی اشعار نویافته او بوده است. نسخه پنجم نیز مطلقاً مورد استفاده نبوده است. مشخصات این دست‌نویس‌ها چنین است:

۱. دیوان انوری، نسخه شماره ۱۳۵۰۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به خط نسخ، مورخ سال ۶۸۰، ۱۷۲ برگ، هر صفحه دو ستون ۱۸ تا ۱۹ سطری. نام کاتب از انجامه نسخه محو است: «تمت علی يد الضعیف المحتاج فی سنه ثمانین و ستمائة بعون الله و ...». این نسخه کهن در مواردی محل رجوع جعفر شهیدی در شرح مشکلات دیوان بوده است (شهیدی ۱۳۸۲، مقدمه: ه).

۲. دیوان انوری، نسخه کتابخانه فاتح استانبول که فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۵۱ - ف نگهداری می‌شود مورخ سال ۷۰۸ هجری. شامل ۲۱۵ برگ، هر صفحه دو ستون ۲۹ سطری، به خط محمدبن عبدالله بن محمد الحافظ. کاتب تاریخ کتابت را در پایان نسخه چنین ذکر کرده است: «تمام شد دیوان خاتم الشعراء افضل الفضلاء اوحمدالدین انوری قدس الله روحه و ادر علیه فتوحه به فرخی و فیروزی و خجستگی و بهروزی در اواخر ماه شوال سنه ثمان و سبع مائة ...».

۳. دیوان انوری، نسخه شماره ۲۰۹ کتابخانه سپهسالار. ۳۵۹ برگ هر صفحه دو ستون ۱۹ سطری. آغاز و انجام این نسخه افتاده و به همین دلیل نام کاتب و تاریخ کتابت آن روشن نیست. فهرست‌نگاران از برخی قرائن، سده هفتم را تاریخ کتابت آن ذکر کرده‌اند (منزوی، ج ۳: ۲۲۳۵). کاتب فردی کم‌دقت بوده و به همین سبب سهوهای بسیاری در این نسخه کهن راه یافته است.

۴. دیوان انوری، در جنگ حکیم اغلو پاشا. میکروفیلم این مجموعه که شامل ۱۲ دیوان است، به شماره ۱ / ۱۷۰ ف در دانشگاه تهران موجود است. تاریخ کتابت ندارد، اما آن را از سده هشتم یا نهم دانسته‌اند (میرافضلی: ۱۷۲). اشعار انوری در صد برگ ابتدای این مجموعه جای گرفته است، هر صفحه مشتمل بر چهار ستون ۳۵ سطری. این دست‌نویس از نسخه‌های قابل اطمینان دیوان انوری است.

۵. دیوان انوری. نسخه شماره ۸۵۲۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به خط نسخ، تاریخ کتابت نسخه مشخص نیست، اما ظاهراً متعلق است به سده هشتم و نهم (درایتی، ج ۵: ۲۵۷). ۲۵۷ برگ، هر صفحه دو ستون ۲۱ سطری. برخی از اوراق این نسخه به خطی جدید نونویس شده است.

۵- اشعار نویافته

۱-۵- غزل‌ها

- غزل ۱، انوری، جنگ حکیم اغلوپاشا، برگ ۸۳

رفعت آن کم بر تو آبی بود	یا سلام مرا جوابی بود ^۴
از سر ناز و نازکی جاننا	هر زمان با منت عتابی بود
وعده‌های خوشم همی دادی	آن همه وعده‌ها سرابی بود
در کف عیش من ز ساقی وصل	هر زمان ساغر شرابی بود
روزگار وصال جمله گذشت	گویی آن روزگار خوابی بود

- غزل ۲، انوری، جنگ حکیم اغلوپاشا، برگ ۸۳

بر من بت من سر گران دارد	او را چه زیان مرا زیان دارد
پیوسته در انتظار آن باشد	تا دوست به کام دشمنان دارد
ور هیچ کسی ز من بدی گوید	باور کند و دلش بر آن دارد
ور در حق او نکویی گویم	از بدخویی به بد گمان دارد
از سود و زیان من نیندیشد	پیوسته حدیث سوزیان دارد
سیمرخ غمش چو روی بنماید	در مغرب تهمت آشیان دارد
فریاد رسیم کای مسلمانان	کین یار نه خوی مردمان دارد

۴. این غزل در کلیات سعدی (سعدی ۱۳۸۶: ۶۸۵)، جزو غزل‌های الحاقی آمده و پیش از بیت آخر دو بیت زیر به آن افزوده شده است:

خسته مانده‌ام نمی‌پرسی که مرا خسته خرابی بود
حبذا آنکه از زکات لب عاشقان تو را نصابی بود

بیت آخر آن نیز چنین است:

سعديا چون زمان وصل گذشت؟ ای دریغا که چون سرابی بود

(علامت سؤال از مصحح است). به دلایلی این غزل از سعدی نیست؛ نخست اینکه جزو غزل‌های الحاقی است که به تصریح مصحح تنها در یک یا حداکثر دو نسخه متأخر و غیرمعتبر آمده است (همان: ۶۸۲). دیگر اینکه در تصحیح استاد یوسفی که بر مبنای هفده نسخه کهن کلیات سعدی صورت گرفته (سعدی ۱۳۸۵)، مقدمه مصحح: ۲۵-۲۸) نیست. همچنین زبان سست ابیات الحاقی پذیرش انتساب آن به سعدی را دشوار می‌کند. مثلاً در بیت آخر علاوه بر تکرار قافیه بیت سوم اصل غزل، ارتباطی بین دو مصراع وجود ندارد. افزون‌براین، یکی از اختصاصات جنگ حکیم اغلوپاشا اشتغال بر برخی اشعار مسلم انوری است که در هیچ‌یک از نسخه‌های کهن و دیوان‌های چاپی نیامده‌اند؛ از جمله غزل دوم و سوم در پژوهش حاضر و ۲۳ رباعی دیگر که یگانه منبع حفظ آنها همین دست‌نویس است (میرافضلی ۱۳۹۴: ۱۷۲). ظاهراً با توجه به مشابهت سبک غزل‌های انوری و سعدی، در ادوار متأخر این غزل انوری به نسخه یا نسخه‌هایی از دیوان سعدی الحاق شده و ابیاتی بر آن افزوده‌اند و بیت آخر را با ذکر نام سعدی تغییر داده‌اند.

دفت آنکم بر تو آئے بود و عدا، خوشم می آدی روز کار وصال جمله گد بر منست من جو سرکران از پوسته هر اسطاران شاه در دردی او نکویی گویم تیرغ غمش جو روی نماید	با سلام مرا خوانی بود آن همه و عدا سرانی بود وَ اَيْضًا لَلرَّحْمٰنِ تا دوست بگام دشمنانج ارد از بد خوئی بدگان دارد در مغرب همه آسان دارد	اوشتر ناز و نازکی جان در کف عیش من زینا فی مهرا و در هیچ کسی ز من بدی گوید اوشو و زبان من بی عیب فریاد و نسیم کای سلیمان	هر زمان با مستمان بود مردمان ساغر شرابند بود کوچه آن در کنار خواب بود اورا چه زبان بر زبانج ارد باورکنده دلش برانج ارد سوسنه حدیثش تو زبانج ارد کن باره خوی مردمانج ارد
---	---	--	---

- غزل ۳، انوری، جنگ حکیم اغلو پاشا، برگ ۹۱

زلف زیر کله نهان چه کنی	طمع خون عاشقان چه کنی
از کشتی و خوشی و بوالعجیبی	خود ندانی که هر زمان چه کنی
ای دلم صید کرده چون از تو	بوسه خواهم حدیث جان چه کنی
پاسخ تو هزار جان ارزد	قسمت بوسه رایگان چه کنی
چون مرا در میان کشید غمت	از من دلشده کران چه کنی
گر ز بیداد تو کنم روزی	بر در دادبگ فغان چه کنی

هر آودی با مردم بیرون ارد زلف ز کله نهان چه کنی اودگشتی و خوشی و بوالعجیبی پاسخ تو هزار جان ارزد	وَ اَيْضًا لَلرَّحْمٰنِ خود ندانی که هر زمان چه کنی قسمت بوسه رایگان چه کنی گر ز بیداد تو کنم روزی	طمع خون عاشقان چه کنی بوسه خواهم حدیث جان چه کنی از من دلشده کران چه کنی
---	--	--

- غزل ۴، انوری، نسخه سپهسالار، صفحه ۶۴۱

فلک با توبه شوخی بر نیاید	ز خوبان کس تو را در خور نیاید
چون نام نیکوان در عرضه آرند	به جز نام تو سر دفتر نیاید
مرا تا چشم بر روی تو افتاد	ز خوبان کس به چشمم در نیاید
چو زر کردم رخ خویش از پی آنک	شفیع وصل تو جز زر نیاید



۱-۱-۵- قراین سبک شناختی در تعلق غزل‌ها به انوری

گذشته از پشتوانه نسخه‌های کهن، دلایل و قراین دیگر از متن غزل‌ها بیانگر تعلق آنها به انوری است؛ وزن غزل‌های اول و سوم خفیف مسدس مخبون محذوف یا مقصور است. این وزن پرکاربردترین وزن قصاید، غزلیات و قطعات شاعر است؛ از چاپ مدرس رضوی (شامل ۲۰۷ قصیده، ۳۲۲ غزل و ۴۹۲ قطعه) ۴۳ قصیده، ۶۱ غزل و ۱۸۰ قطعه در این وزن سروده شده است (وحیدیان کامیار ۱۳۸۹: ۱۹۶). وزن غزل دوم نیز هزج مسدس اخرب مقبوض سالم عروض و ضرب است. انوری در این وزن ۲۸ غزل دارد که پنجمین وزن پرکاربرد غزلیات اوست. وزن غزل چهارم نیز هزج مسدس محذوف یا مقصور است که سومین وزن پرکاربرد غزلیات انوری است و شاعر با سرودن ۳۷ غزل، ۷ قصیده و ۳۵ قطعه میزان علاقه خود را به آن نشان داده است (همانجا). همان‌گونه که در غزل‌های نویافته دیده می‌شود، نداشتن تخلص از خصوصیات بارز بیش از نیمی از غزل‌های انوری است.^۵ ذکر نام ممدوح در پایان غزل سوم نیز در دیوان او نمونه دارد؛ چنان‌که در هشت غزل دیگر از این شیوه استفاده کرده است. ابیات زیر از مقطع سه غزل اوست:

براتی گر شود راجع چه باشد به خط مجد دین شمس الکفات است

(انوری ۱۳۷۶: ۷۷۳)

گران آن کس برآید بر تو کورا / چو مجدالدین خریداری نباشد

(همان: ۸۲۰)

ترسم فردا گه مظالم / تاب ثقه الملوک ناری

(همان: ۹۲۵)

۵. از یکصد غزل نخست انوری در چاپ مدرس رضوی ۶۲ غزل، یعنی بیش از نیمی از غزل‌ها، بدون تخلص است.

و برای موارد دیگر (رک. همان: ۷۷۶، ۷۸۵، ۸۴۶، ۹۳۰). در باب هویت دادبگ (طغرلتگین دادبگ از ممدوحان انوری) در غزل سوم، در پایان همین مقاله ذیل رباعی آخر توضیح داده‌ایم.

گسترده‌ترین درونمایه غزل انوری عشق است که غالباً به صورت طبیعی تصویر شده است. «غزل انوری ادامه طبیعی غزل حسی و تجربی شاعران خراسان است ... که در آن وحدت تجربی عشق اساس ساختار غزل را تشکیل می‌دهد و در آن غالباً نقش کاملی از تجربه عشق تصویر می‌شود: زمان و مکان و خصوصیات جسمی و روحی معشوق و عاشق و حتی گاه گفت‌وگوهای طبیعی میان آن دو، به دقیق‌ترین وجهی. روان‌شناسی عاشق و معشوق - که هر دو از سلامت روح برخوردارند و هیچ اثری از مازوخیسم و سادیسم در هیچ‌یک از ایشان بروز نکرده است - از مشخصات این نوع غزل است» (شفیعی کدکنی ۱۳۷۴: ۵۵). زبان غزل او نرم و روان و به دور از تعقید و پیچیدگی است.^۶ «در غزل که مجال هنرنمایی کمتر و شاعر در مقام بیان انفعالات و تأثرات خویش است و نمی‌خواهد با الفاظ فخیم و ترکیبات پرصدا ممدوحی را از خویش راضی کند خصوصیت سبک انوری بیشتر ظاهر می‌شود» (دشتی: ۱۰۱). خصوصیات یادشده که محققان برای سبک غزل انوری ذکر کرده‌اند کمابیش در باب غزلیات نویافته صادق است. وحدت تجربه و یگانگی عاطفی مهم‌ترین ویژگی این غزل‌هاست. در غزل نخست عاطفه «حسرت» غلبه دارد؛ یادکرد روزگار وصال، ناز و نازکی و عتاب معشوق، وعده‌های خوش، اما فریبنده وی، سپری شدن ایام وصل و شباهت آن به خواب و خیال، تجسم عاطفه حسرت در قالب زبان هستند. در غزل دوم عاطفه مسلط «گله از کردار معشوق» است؛ سرگران داشتن، به کام دشمن داشتن عاشق، باور کردن سخن دیگران، بدگمانی، چشم بر مال عاشق داشتن و دادخواهی عاشق از مسلمانان نمودهای آن محسوب می‌شود. زمینه غالب عاطفی در غزل سوم «شگفتی از اعمال معشوق» است؛ نهان کردن زلف به قصد جان عاشق، اعمال حیرت‌انگیز برخاسته از کشی و خوشی و بوالعجبی، در میان غم کشیدن عاشق و آنگاه رها کردن او و کران کردن از وی و این همه سبب‌ساز شکایت بردن از اعمال حیرت‌انگیز او به ممدوح بیان این تجربه هستند. غزل کوتاه چهارم در بیان شوخی فوق‌العاده، زیبایی حیرت‌انگیز، سردفتر نام نیکوان بودن و زردوستی معشوق است. زبان ساده و روان و نزدیک به زبان محاوره که از

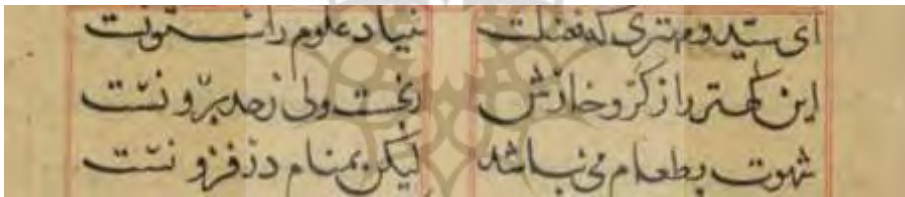
۶. تجربه انوری در غزل عاشقانه و زبان نرم و لطیف او یک قرن بعد در غزل سعدی به کمال می‌رسد (دشتی ۱۳۹۰: ۱۰۱). در باب تأثیرپذیری سعدی از انوری همچنین، رک. فروزانفر (۱۳۸۷: ۳۳۸).

خصوصیات اصلی سبک سخن انوری است، ویژگی دیگر این غزل‌ها است؛ تعبیری چون جواب سلام کسی دادن، وعده خوش دادن، خواب بودن چیزی یعنی بی‌بنیاد بودن آن، زبان داشتن چیزی، بد گفتن از کسی، باور کردن، بدخواهی، ای مسلمانان! کشی و خوشی، خود ندانی که هر زمان چه کنی، قسمت کردن، چشم بر روی کسی افتادن، به چشم آمدن کسی و نظایر آن برگرفته از زبان رایج روزگار یا نزدیک به آن است.

۲-۵. قطعات

- قطعه ۱، انوری، نسخه مجلس، برگ ۱۱۱

ای سید و مهتری که فضلت	بنیاد علوم راستون است
این کهتر را ز گرز و خارش	رنج است ولی ز حد برون است
شهوت به طعام می‌نباشد	لیکن به منام در فزون است
چون نبض به قبض می‌سپارم	گویند همی ز فرط خون است
امروز به فصد قصد دارم	معلوم کنی که روز چون است



یکی از خصوصیات سبک شعر انوری، به‌ویژه در قصاید و قطعات، که ناقدان سخن او از دیرباز بر آن تأکید کرده‌اند، پیوند آن با علوم و فنون روزگار است (عوفی، ج ۱۲۵/۲؛ فروزانفر: ۳۴۰-۳۴۳). در قطعه یادشده از مخاطب اختیار وقتی نیک برای انجام فصد درخواست کرده‌است؛ قدما خون را منبع تغذیه جسم و حرارت و نرمی و رطوبت بدن و تازگی پوست می‌دانستند (جرجانی، ج ۱۱۱/۳ و ۱۱۲). اهمیت خون در نظر آنان دو شرط داشت: «اگر چه منفعت و محل خون اندر تن بدین بزرگی است، این محل و منفعت او را به دو شرط است: یکی آنکه مقدار او چندان باشد که باید و کیفیت او یعنی چگونگی او چندان باشد که باید» (همان: ۱۱۲). اگر خون به گمان آنان از حد بیشتر می‌شد، با ملاحظه شرایط بیمار، فصد را لازم می‌دانستند (همان: ۱۱۴-۱۱۷). جرجانی از جمله نشانه‌های ازدیاد خون به بی‌اشتهایی و گران شدن سر و خارش چشم و روی اشاره کرده‌است (همان: ۱۱۷ و ۱۱۸). به دلیل وجه واقع‌گرایانه و مناسبتی غالب قطعات انوری، از مضمون قطعه نویافته برمی‌آید که انوری به عارضه‌ای مبتلا بوده و نشانه‌های یادشده در این قطعه، از جمله گر و خارش و بی‌میلی به

غذا، را مستلزم فصد دانسته و از مخاطب تعیین وقت مناسب برای آن درخواست کرده است تا با اطمینان از عدم عفونت به فصد بپردازد. در برخی از اوقات، از جمله هنگامی که ماه در جوزا بود، از فصد پرهیز می کردند. چون می پنداشتند برج جوزا بر دو دست و دو شانه دلالت دارد (ابوریحان بیرونی: ۳۳۱) و فصد در این زمان باعث عفونت است. «حلول قمر در هر برجی موجب توجه رطوبت بدن به عضوی می شود که به آن برج منسوب است و توجه رطوبت به هر عضوی مقتضی تعفن مواد در آن عضو است. بنابراین، وقتی که ماه در جوزا درآید، رطوبت بدن متوجه دو دست می شود و زمینه برای تعفن فراهم می آید. در چنین حالتی رسانیدن بیشتر به آن عضو صلاح نیست» (ماهیار: ۱۶۲). «چون قمر در جوزا باشد، رگ زدن دست نشاید» (شهمردان بن ابی الخیر: ۳۹۷). موضوع فصد چند بار دیگر نیز در شعر انوری آمده است. از جمله، در قطعه ای که در سفینه شمس حاجی نقل شده و در چاپ های دیوان نیست (شمس حاجی: ۴۰۷ و نیز رک. همان، مقدمه مصحح: ۶۳):

نگار من چو مزاج مبارک خود را نه بر مراد همه روز دید رگزن خواند
خجسته رگزن مبارک فرخنده بی ز دست های بلورین او شکر افشاند
به نوک خامه پولاد جوی سیم بکند به جوی سیم درون شاخ ارغوان بنشاند

(شمس حاجی: ۴۰۷ و نیز رک. همان، مقدمه مصحح: ۶۳؛ برای موارد دیگر، رک. انوری ۱۳۷۶:

۵۲۱ و ۵۴۳).

هویت مخاطب قطعه نویافته نکته ای است درخور توجه؛ از مضمون قطعه برمی آید که خطاب به طبیبی دانشمند سروده شده است و به احتمال بسیار او فردی است به نام بدیع الزمان که انوری دو بار به تصریح از وی یاد کرده است؛ از جمله در قطعه ای ۲۴ بیتی (همان: ۶۳۷) با مطلع

ای بدیع الزمان بیا و ببین که ز بدعت جهان چه می زاید

با لحنی دوستانه از او خواسته تا بر بالینش حاضر شود. این دوستی سرانجام به دلخوری کشیده و شاعر در قطعه ای، که در چاپ مدرس رضوی نیست، اما در چاپ نفیسی و بسیاری نسخه های کهن هست (رک. انوری، نسخه مینوی ۲۴۸/۱۰، برگ ۱۲۵؛ انوری، نسخه فاتح، برگ ۱۳۸؛ انوری، نسخه آستان قدس، برگ ۲۰۶)، او را نکوهیده است:

بدیع نابدیع ای سرد قواد چو دیدم روی تو ماتم گرفتم
به عالم در اگر تو بود خواهی من از ننگت کم عالم گرفتم
گر از طب می کنی چندین تفاخر اطبا را ز عالم کم گرفتم...

در چاپ نفیسی واژه پایانی مصراع نخست قوال ضبط شده و در عنوان شعر آمده است: «در حق بدیع قوال گوید» (رک. انوری ۱۳۳۷: ۴۲۷)، درحالی که قطعه در ذم بدیع طیب است.

- قطعه ۲، انوری، نسخه فاتیح، برگ ۱۰۰

کمترین خواهنده را چون کان فراوان خواسته است
روی ملت را ز رای روشنت آراسته است
باغ دولت را به صبح خنجرت پیراسته است
رسته های آفرینش را کمالت راسته است
زین سخن گرد گمان یکبارگی برخاسته است
تا ز عالم هیچ نوعی هیچ وقتی کاسته است

ای خداوندی که از دریای دست فیضت
آن که او رخسار مهر^۷ آراید از رخسار مهر
وان که او گیسوی شب پیراید از مقراض صبح
مصر جامع از تو شد گیتی که از روی مثال
نوع تو در شخص توست ار چه ز بی مثلی تو
زانکه خیر کلی اندر حفظ نوع آمد بین



مدح درونمایه اصلی و محوری بخش اعظم قصاید، کثیری از قطعات، برخی رباعیات و حتی چند غزل انوری است. ممدوحان او از اقشار و طبقات گوناگون اجتماع هستند؛ از شاهان و امیران و وزرا و رجال درباری تا عالمان و شاعران. این قطعه که در مدح بزرگی است، شامل اغراق های معهود شاعر است. برخی تعابیر و مضامین قطعه (گاه با اندکی اختلاف) در سایر اشعار انوری آمده است؛ باغ چیزی از خنجر ممدوح پیراسته بودن، مصر جامع و رسته آن، نوع و شخص، خیر کلی:

باغ ملک از خنجرت پیراسته

ای جهان را عدل تو آراسته

(انوری ۱۳۷۶: ۷۱۳)

نظم از جهت محتسبی داد دکان را

انصاف تو مصری است که در رسته او دیو

(همان: ۱۱)

۷. چنین است در اصل؛ ظاهراً «روز» درست است.

عقل صرفی که نظیرت ندهد مطلب ای

وحدت نوع تو بر شخص تو مقصور کند

(همان: ۵۰۸)

بر بنی آدم قوی تر بهترین عالم است

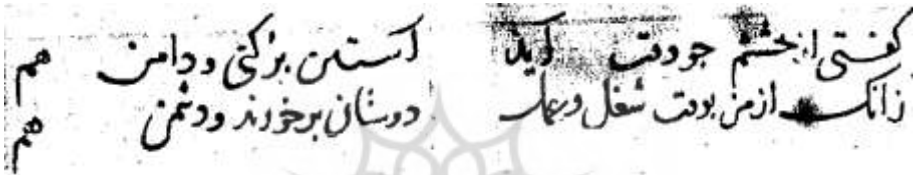
باز هر کاندردوام خیر کلی دست او

(همان: ۷۷)

- قطعه ۳، انوری، نسخه فاتح، برگ ۱۵۳

گفتی از بخششم چو وقت آید
زانکه از من به وقت شغل و عمل

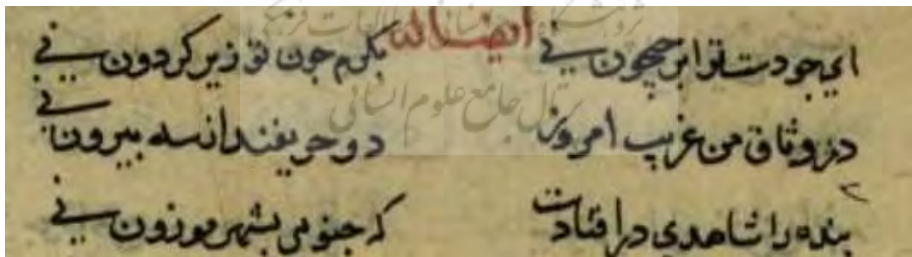
آستین پر کنی و دامن هم
دوستان بر خورند و دشمن هم



- قطعه ۴، انوری، نسخه دانشگاه تهران ۸۵۲۷، برگ ۲۰۳

ای چو دست تو ابر [و] جیحون نی
در وثاق من غریب امروز
بنده را شاهی در افتاده است
خواهم از باده که خاصه توست

به کرم چون تو زیر گردون نی^۸
دو حریفانند از سه بیرون نی
که چنوبی به شهر موزون نی
یک صراحی تمام و افزون نی



طلب شراب برای خود و شاهد در قطعه ۴ از مضامین بسیار رایج قطعات انوری است. از جمله در بیت آخر قطعه‌ای با همین مضمون، که از چاپ نفیسی و مدرس رضوی فوت شده، اما در چاپ‌های سنگی (انوری ۱۸۸۹: ۲۵۵؛ انوری ۱۲۶۶: ۳۱۳) آمده گفته است:

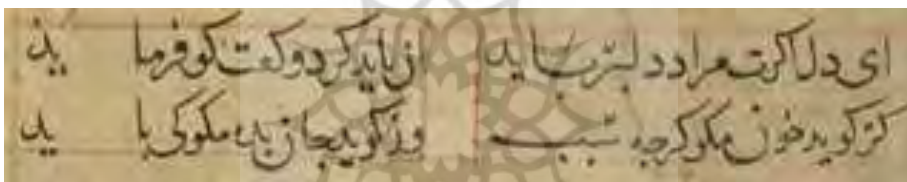
۸. چنین است ردیف ابیات در اصل نسخه، و شاید صورت درست آن با توجه به ردیف قطعه همسانی که در آخر توضیحات ذیل همین قطعه به‌عنوان شاهد نقل شده است، «نه» باشد.

شراب نیست ولی نقل و لوت و مطرب را خدای داند تا از کجا به دست آریم
در قطعه‌ای با ردیف مشابه و قافیۀ همسان با قطعه‌ی نویافته هم گفته‌است:
منم امروز و شاهدی زیبا مونس ما کتاب و افزون نه
خورده‌ایم از برای قوت نفس یک منی از کباب و افزون نه
هیچت افتد کریم‌الدین که دهی یک منی مان شراب و افزون نه
(انوری ۱۳۷۶: ۷۲۴؛ برای موارد بیشتر، رک. همان: ۶۲۷، ۶۳۵، ۶۴۲، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۲۲، ۷۲۷).

۳-۵- رباعیات

- رباعی ۱، انوری، نسخه‌ی مجلس، برگ ۱۶۵

ای دل اگرت مراد دلبر باید آن باید کرد و گفت کو فرماید
گر گوید خون مگو کز چه سبب ور گوید جان بده مگو کی باید



این رباعی به صورت زیر در کلیات شمس نیز آمده‌است (مولوی ۲: ۱۳۶۱):

ای دل اگرت رضای دلبر باید آن باید کرد و گفت کو فرماید
گر گوید خون گری مگوی از چه سبب ور گوید جان بده مگو کی شاید

و مشخص نیست در چند نسخه‌ی مورد استفاده‌ی مصحح بوده‌است. از ویژگی‌های کلیات شمس اشعار الحاقی فراوان در آن است: «با اینکه دیوان کبیر چاپ استاد فروزانفر بر دست بزرگ‌ترین مولوی‌شناس قرون و اعصار فراهم آمده‌است، هنوز هم خالی از اشکال‌ها و نقص‌هایی نیست. اجمالاً می‌توان گفت که در این دیوان هنوز هم حجم قابل ملاحظه‌ای از شعر دیگران وجود دارد که کار را برای هر پژوهنده‌ای دشوار می‌کند» (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: ج ۴۴/۱). مولوی با شعر انوری آشنا بوده و در مواردی از آن تأثیر پذیرفته‌است. از جمله، تمثیل معروف «مری کردن رومیان و چینیان» (همان: ۱۵۴) در دفتر اول مثنوی مأخوذ از قطعه‌ای از انوری با مطلع بیت زیر است:

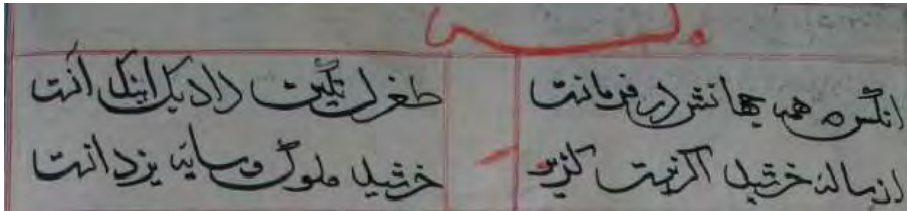
صفه‌ای را نقش می‌کردند نقاشان چین بشنو این معنی کز این خوش‌تر حدیثی نشنوی

دور نیست که مولانا رباعی انوری را بر زبان رانده باشد و از این رهگذر به نسخه‌ی یا نسخه‌های از کلیات شمس به نام او الحاق شده باشد.

- رباعی ۲، نسخه سپهسالار، صفحه ۶۹۶

طغرل تگین دادبگ اینک آن است
خورشید ملوک و سایه یزدان است

آن کس که همه جهانش در فرمان است
از سایه خورشید اگر نیست گزیر



طغرل تگین دادبگ، که در سال ۵۵۹ از جانب غوریان بر رخج و بست حکمرانی داشته و با ایتکین صاحب هرات جنگیده است (ابن اثیر، ج ۴/۹؛ انوری ۱۳۷۶، مقدمه مصحح: ۶۲)، از ممدوحان انوری است و شاعر چند بار او را ستوده است (رک. همان: ۳۸۸، ۳۹۲).

منابع

- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م)، الکامل فی التاریخ، ج ۹، راجعه و صححه الدكتور محمد یوسف الدقاقه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۸۶)، التفهیم لأوائل صناعه التنجیم، تصحیح جلال الدین همایی، تهران: نشر هما ۱۳۸۶.
- انوری (۱۳۷۶)، محمد بن علی، دیوان، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، تهران: علمی و فرهنگی.
- انوری (۱۳۳۷ ش)، دیوان، با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی پیروز.
- انوری (۱۸۸۹ م)، دیوان، دیوان، نولکشور لکهنو: چاپ سنگی هندوستان.
- انوری (۱۲۶۶ ق)، دیوان، تبریز: چاپ سنگی.
- انوری، دیوان، نسخه خطی شماره ۱۳۵۰۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- انوری، دیوان، نسخه خطی شماره ۲۳۴/۳ کتابخانه مینوی، تاریخ کتابت: ۶۹۲ هجری.
- انوری، دیوان، نسخه خطی شماره ۲۴۸/۱۰ کتابخانه مینوی.
- انوری، دیوان، نسخه خطی کتابخانه فاتح استانبول، فیلم شماره ۵۱ - ف کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تاریخ کتابت: ۷۰۸ هجری.
- انوری، دیوان، نسخه خطی شماره ۲۰۹ کتابخانه سپهسالار.
- انوری، دیوان، نسخه خطی جنگ حکیم اغلو پاشا، فیلم شماره ۱/۱۷۰ ف دانشگاه تهران.
- انوری، دیوان، نسخه خطی شماره ۵۲۶۷ کتابخانه ملک، تاریخ کتابت: قرن هفتم.
- انوری، دیوان، نسخه خطی شماره ۲۴۰/۲ ف کتابخانه دانشگاه تهران، تاریخ کتابت: ۷۵۹ هجری.
- انوری، نسخه خطی شماره ۸۵۲۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

انوری، دیوان، نسخه خطی شماره ۱۱۸۵۱ کتابخانه آستان قدس رضوی، تاریخ کتابت: قرن هشتم. جرجانی، سید اسماعیل (۱۳۵۵)، ذخیره خوارزمشاهی، کتاب سوم، بخش دوم، تصحیح جلال مصطفوی، تهران: انجمن آثار ملی.

جمال‌الدین اصفهانی، محمدبن عبدالرزاق (۱۳۷۹ ش)، دیوان، تصحیح وحید دستگردی، تهران: نگاه. درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

دشتی، علی (۱۳۹۰)، قلمرو سعدی، تهران، زوار.

سعدی ۱ (۱۳۸۶)، مصلح بن عبدالله، کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر.

سعدی ۲ (۱۳۸۵)، غزل‌های سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: سخن.

شریفی صحنی، محسن و مهدخت پورخالقی چترودی (۱۳۹۱)، «اشعار نویافته از انوری در نسخه‌ای کهن»، جستارهای ادبی، شماره ۱۷۹.

شریفی صحنی و حامد خاتمی‌پور (۱۳۹۲)، «اشعار نویافته در جنگ خطی ۹۰۰ مجلس»، متن‌شناسی ادب فارسی، دوره جدید، سال پنجم، شماره ۱.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۴)، مفلس کیمیا فروش، تهران: سخن.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷)، غزلیات شمس تبریز، تهران: سخن.

شمس حاجی، محمد بن دولت‌شاه بن یوسف شیرازی (۱۳۹۰)، سفینه، مقدمه، تصحیح و تحقیق میلاد عظیمی، تهران: سخن.

شهمردان بن ابی‌الخیر (۱۳۶۲)، زهت‌نامه‌ی علایی، تصحیح فرهنگ جهانپور، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۲)، شرح لغات و مشکلات دیوان انوری، تهران: علمی و فرهنگی.

عوفی، محمد (۱۳۲۱ ق/ ۱۹۰۳ م)، لباب الالباب، تصحیح ادوارد براون، لیدن: مطبعه بریل.

فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۷)، سخن و سخنوران، تهران، زوار.

ماهیار، عباس (۱۳۸۲)، ثری تأثیرا، کرج: انتشارات جام گل.

منزوی، احمد (۱۳۵۰)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.

مولوی ۱ (۱۳۹۰)، جلال‌الدین محمد، مثنوی، تصحیح رینولد ا. نیکلسون، تهران: هرمس.

_____ ۲ (۱۳۸۵)، کلیات شمس، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.

میرافضلی، علی (۱۳۹۴)، جنگ رباعی، پژوهش و ویرایش سیدعلی میرافضلی، تهران: سخن.

وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۹)، فرهنگ اوزان شعر فارسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.